

## بررسی متغیرهای فرهنگی در ارتباطات میان ایرانیان و فرانسویان براساس الگوهای زبانی

محمدرضا فارسیان<sup>۱\*</sup>، آزاده فسقوری<sup>۲</sup>

۱. دانشیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
۲. مربی زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

پذیرش: ۹۵/۳/۹

دریافت: ۹۴/۱۲/۱

### چکیده

امروزه زبان علاوه بر اینکه مهم‌ترین ابزار ارتباطی است، هسته اصلی و شکل‌دهنده فرهنگ نیز به‌شمار می‌رود. چگونگی ارتباط میان زبان و فرهنگ و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر در برقراری ارتباط بین کاربران زبان و فرهنگ‌های متفاوت اهمیت بسیاری دارد و توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. با توجه به نقش مهم و اساسی فرهنگ در برقراری ارتباطات بینا فرهنگی، در پژوهش حاضر، این رابطه دوسویه در امر ارتباطات میان ایرانیان و فرانسویان را بررسی می‌کنیم. برای تحقق این هدف، ابتدا پیشینه و کارهای انجام‌شده در این زمینه را معرفی می‌کنیم و سپس ضمن تبیین مبانی نظری رابطه متقابل زبان و فرهنگ، نقش اساسی شناخت و درک مؤلفه‌های فرهنگی در برقراری ارتباط مؤثر را بررسی خواهیم کرد. برای این منظور، یکی از متغیرهای فرهنگی مؤثر در ارتباطات میان فرهنگی، یعنی تعاملات کلامی در دو فرهنگ فارسی و فرانسه را براساس نظریه کنش گفتاری آستین، بررسی و واکاوی می‌کنیم و با ارائه مثال‌های مختلف، کاربردها، تفاوت‌ها و تشابهات این متغیر فرهنگی در هر دو محیط کلامی را تبیین می‌نماییم. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده ضرورت توجه به تفاوت‌های فرهنگی به‌منظور جلوگیری از بروز برخی از برداشت‌های نادرست هنگام برقراری ارتباط کاربران زبان با فرهنگ‌های فرانسه و فارسی است.

واژگان کلیدی: آموزش زبان، متغیرهای فرهنگی، تعامل کلامی، ارتباط مؤثر، زبان فرانسه.



## ۱. مقدمه

با توجه به تفکیک‌ناپذیری زبان و فرهنگ، هر شخص برای برقراری ارتباطی مؤثر و کارآمد، به بهره‌مندی کافی از بار فرهنگی آن زبان نیاز دارد. افراد در زمان برقراری ارتباط با یکدیگر، پس‌زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود را آشکار می‌کنند. بنابراین، ارتباط تنها به سطوح زبان‌شناختی محدود نمی‌شود؛ بلکه جنبه‌هایی از سطوح فرهنگی-اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. به این ترتیب، زبان به مؤلفه اصلی شناخت افراد از یکدیگر و درک تفاوت‌ها و تشابهات تبدیل می‌شود. نقش زبان از ابزار ارتباطی صرف فراتر می‌رود و در قالب «محمل فرهنگی»، نقش مهمی را در ایجاد و تبیین هویت ایفا می‌کند. بی‌شک مطالعه و بررسی متغیرهای فرهنگی تأثیرگذار در برقراری ارتباط گامی مؤثر برای شناخت و درک بهتر رابطه دوسویه زبان و فرهنگ است. در این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی هستیم که آیا درک تفاوت‌های فرهنگی، متضمن برقراری ارتباطات میان‌فرهنگی موفق است یا نه. فرضیه کلی تحقیق این است که عدم آگاهی درست یا کافی از این تفاوت‌ها هنگام تعاملات ممکن است در بیشتر مواقع به سوءبرداشت و حتی قطع ارتباط منجر شود.

در این تحقیق، از میان متغیرهای فرهنگی، برخی از تعاملات کلامی<sup>۱</sup> را در زبان‌های فارسی و فرانسه بررسی و واکاوی خواهیم کرد. برای این منظور، نمونه‌هایی از تعاملات کلامی را بسط خواهیم داد که بیانگر باورهای فکری، نگرش، عملکردها و رفتارهای افراد جامعه هستند. ابتدا رابطه بین زبان و فرهنگ و چگونگی انتقال فرهنگ از طریق زبان را تبیین و واکاوی خواهیم کرد. بر این اساس، رویکردهای نظری مختلف، از جمله فرضیه نسبیت زبانی<sup>۲</sup> را بررسی می‌کنیم. تحقیق حاضر را در چارچوب نظریه کنش‌گفتاری آستین انجام می‌دهیم و به همین دلیل، معرفی و تبیین این نظریه بخشی از این پژوهش خواهد بود. براساس این نظریه، واحد ارتباط زبانی را کنش‌های گفتاری در نظر می‌گیریم و نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری مصطلح و رایج در تعاملات کلامی بین ایرانیان و فرانسویان را بررسی می‌کنیم. این صورت‌های زبانی بیشتر جنبه گفتاری و شفاهی دارند و با رفتارهای اجتماعی، مذهبی، فرهنگ و باورداشت‌ها، آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی افراد ارتباطی تنگاتنگ دارند. به سخن دیگر، این صورت‌های زبانی از روابط فرهنگی و اجتماعی افراد برخاسته‌اند.

می‌کوشیم با بررسی هریک از این کنش‌های گفتاری، انگیزه به‌کارگیری آن‌ها، شیوه به‌کارگیری و تفاوت‌های آن‌ها را در فرهنگ‌های فارسی و فرانسه نشان دهیم. البته در این مقاله، جنبه‌های دستوری و ساختاری این صورت‌های زبانی را بررسی نمی‌کنیم و به مطالعه و بررسی ابعاد معنایی، کاربردی و فرهنگی بسنده می‌کنیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

در سال ۱۹۲۰، باختین<sup>۲</sup> تعامل را به‌عنوان حقیقت بنیادین زبان مطرح کرد. پس از اینکه مید<sup>۳</sup> و بیسن<sup>۴</sup> تعامل‌گرایی نمادی<sup>۵</sup> را طرح کردند، گافمن<sup>۶</sup> نیز با رویکردی روان‌شناختی-اجتماعی این موضوع را مطالعه کرد. از نظر گافمن، تعامل به مجموعه‌ای از تأثیرات دوجانبه در موقعیت‌های رودرو، مانند مکالمه و گفت‌وگو، اطلاق می‌شود. از جمله محققان دیگر در زمینه تعامل، جامعه‌شناسان زبانی مانند هایمز<sup>۷</sup>، گامپرز<sup>۸</sup> و هال<sup>۹</sup> (قوم‌نگاران ارتباط) هستند (Cuq, 2003: 134-135). فعالیت‌ها و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مفهوم کوچک‌ترین واحد تعامل کلامی انجام شد و کنش‌های گفتاری به‌عنوان کوچک‌ترین بخش گفتاری معرفی شدند. آستین<sup>۱۰</sup>، فیلسوف انگلیسی، نخستین کسی بود که با طرح نظریه کنش گفتاری، انواع گفتاری را معرفی و تحلیل کرد. پس از آستین، سرل طبقه‌بندی سه‌گانه آستین از کنش‌های گفتاری را کامل‌تر کرد و طبقه‌بندی جامع‌تری از کنش‌های زبانی را در پنج دسته ارائه نمود (شفقی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۶). در ایران نیز تحقیقاتی در حوزه بررسی کنش‌های مختلف کلامی انجام شده است. بیشتر این تحقیقات در زمینه فرهنگ‌های انگلیسی و فارسی بوده‌اند. در این تحقیقات، دو رویکرد اصلی وجود دارد؛ یکی رویکرد جامعه‌شناختی با تأکید بر فرهنگ و دیگری رویکرد زبان‌شناسی کاربردی. پژوهش‌هایی در زمینه کنش گفتاری قسم (پیش‌قدم و عطاران، ۱۳۹۲)، کنش گفتاری دعا (پیش‌قدم و وحیدنیا، ۱۳۹۳) و کنش گفتاری تعریف و تمجید (متقی طبری و بوزل، ۱۳۹۰) از جمله تحقیقات انجام‌شده با نگاه جامعه‌شناختی به‌شمار می‌روند. بررسی کنش بیانی امر (صفا و قائمی، ۱۳۹۳)، کنش زبانی بیان شدت (صفا و زمانی، ۱۳۹۱)، کنش گفتاری توبه (شفقی و تمیم‌داری، ۱۳۹۴) و کنش گفتاری معذرت‌خواهی (افقری و کاویانی، ۱۳۸۴) تحقیقات انجام‌شده با تأکید بر زبان‌شناسی کاربردی هستند.



تحقیقاتی در زمینه کنش کلامی تعارف (میرزا سوزنی، ۱۳۸۵؛ سلمانی ندوشن، ۱۳۸۳؛ علوی و زینالی، ۱۳۹۳) نیز انجام شده است.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. رابطه زبان و فرهنگ

در این بخش، رابطه بین زبان و فرهنگ را از دیدگاه متخصصان این زمینه تبیین و بررسی می‌کنیم.

امروزه محققان بیش‌ازپیش به دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در زمینه ارتباط بین زبان و فرهنگ توجه می‌کنند. زبان به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی بشر، انتقال و حفظ تجربیات، دانش، بینش، اندیشه‌ها و فرهنگ نسل‌های پیشین را ممکن می‌سازد. به سخن دیگر، زبانی که در یک جامعه خاص به‌کار می‌رود، بازتاب ارزش‌های مشترک افراد آن جامعه است.

لویی پورشه معتقد است که رابطه‌ای «ناگسستگی» بین زبان و فرهنگ وجود دارد. از نظر وی، «هر زبانی حامل یک فرهنگ است و این زبان در آن واحد مولد این فرهنگ و محصول این فرهنگ است» (Porcher, 1995: 53). براون نیز معتقد است که زبان بخشی از فرهنگ و فرهنگ بخشی از زبان است (رستم‌بیک تفرشی و رضانی واسوکلائی، ۱۳۹۱: ۱۸). براون مانند پورشه زبان را حامل فرهنگ می‌داند و از نظر او، تصور زبان بدون فرهنگ دشوار به‌نظر می‌رسد.

گالیسون در مورد زبان و فرهنگ و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، تصریح می‌کند که زبان به‌عنوان فعالیتی اجتماعی و محصولی اجتماعی-تاریخی به‌طور کامل و همه‌جانبه متأثر از فرهنگ است. پیوند تنگاتنگ بین زبان و فرهنگ دوسویه است و وجود هریک مستلزم وجود دیگری است (Galisson, 1991: 119). لیدی کوت<sup>۱۲</sup> نیز با قاطعیت بیان می‌کند که فرهنگ با همه سطوح کاربرد و ساختار زبان مرتبط است و بنابراین، ممکن نیست هیچ سطحی از زبان مستقل از فرهنگ در نظر گرفته شود (تاج‌آبادی و آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۳).

در این میان، علاقه‌بند کلمات را مهم‌ترین و اساسی‌ترین نمادهای فرهنگی می‌داند و به نقش تعیین‌کننده درک معانی این نمادها در زندگی انسان اشاره می‌کند (علاقه‌بند، ۱۳۸۰: ۹۷).

بیشله<sup>۱۳</sup> و پادروس<sup>۱۴</sup> نیز تمام واژه‌ها و جمله‌های هر زبان را دارای بار فرهنگی می‌دانند و معتقدند که در بسیاری از موارد، واژه‌ها و جمله‌ها بیانگر نحوه زندگی مردم در جامعه هستند (فیروزآبادی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۰۵). ویکه<sup>۱۵</sup> نیز زبان را به آینه‌ای تشبیه می‌کند که هر واژه آن ممکن است فرهنگ ملتی را بازتاب دهد (همان). برای نمونه، در زبان فارسی دو واژه «دایی» و «عمو» وجود دارد؛ درحالی که در زبان انگلیسی، واژه uncle معادل هردو واژه فارسی است. پیش‌قدم تولید کمتر واژگان عاطفی در زبان انگلیسی و وجود ارتباط عاطفی کمتر بین افراد در فرهنگ انگلیسی را دلیل این تفاوت می‌داند (پیش‌قدم، ۱۳۹۱: ۴۹).

درک بار فرهنگی واژه‌ها و جملات مستقیماً از یک نظام فرهنگی تعیین‌کننده برای هر جامعه برگرفته شده است. به سخن دیگر، تصوراتی که مردم یک جامعه درمورد یک مفهوم خاص نزد خود دارند، عموماً برگرفته از جریاناتی است که در فرهنگ آن جامعه در گذشته و حال رایج بوده است. به نظر مولر، گوناگونی واکنش افراد فرهنگ‌های مختلف در برابر یک موضوع مشابه، از این حقیقت ناشی می‌شود که بار فرهنگی مفاهیم و درک آن در هر فرهنگی با فرهنگ دیگر متفاوت است (فیروزآبادی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

یکی از نظریات مطرح در زمینه رابطه بین زبان و فرهنگ، فرضیه نسبت زبانی است. طبق این فرضیه، هسته اصلی فرهنگ را زبان تشکیل می‌دهد و با تحلیل زبان جامعه، اطلاعاتی درباره فرهنگ و طرز تفکر افراد آن جامعه به دست می‌آید و تأثیر آن بر زبان مشخص می‌شود (قرایی مقدم، ۱۳۸۲: ۸۴). پیش‌قدم در این زمینه، مفهوم «زباهنگ» را معرفی می‌کند. به گفته او، زباهنگ عبارت است از «ساختارها و عباراتی از زبان که نما و شمای فرهنگی یک قوم را نشان می‌دهد» (پیش‌قدم، ۱۳۹۱: ۴۷). پیش‌قدم با به‌کارگیری رویکرد «فرهنگ‌کاوی زبان»، «زباهنگ‌هایی نظیر فردیت‌پذیری، قدرت/احترام‌محوری، مسئولیت‌گریزی، صراحت‌گریزی، هوش هیجانی‌افزا و خانواده‌محوری را ارائه و تبیین می‌کند و بر ارتباط تنگاتنگ زبان و فرهنگ تأکید می‌نماید (همان: ۴۷-۶۲). بنابراین، مفاهیم و ادراک‌های افراد تحت تأثیر زبان‌های خاصی است که به آن سخن می‌گویند. افرادی که به زبان‌های متفاوت سخن می‌گویند جهان را به گونه‌های متفاوت ادراک می‌کنند. زبان بیانگر و منعکس‌کننده تمایزهایی است که برای افراد یک فرهنگ اهمیت دارد.



به این ترتیب، رابطه تنگاتنگ و حتمی بین زبان و فرهنگ وجود دارد. این دو از یکدیگر مجزا نیستند و کاملاً به یکدیگر وابسته هستند. هر زبانی بیانگر فرهنگ ویژه آن زبان است و به گفته وی<sup>۱۶</sup>، زبان خاص آینه فرهنگ خاص است. به سخن دیگر، زبان نوعی تجلی نگرش فرهنگی از جهان است و فرهنگ «برنامه‌سازی ذهنی متمایزکننده افراد یک گروه از گروه دیگر» است (Lázár & et-al, 2007: 7). تعامل با کاربر زبان خارجی، پذیرش مواجه شدن با فرهنگی متفاوت با فرهنگ زبان مادری است. بنابراین، برقراری ارتباطی مؤثر تنها به شناخت و تسلط بر قوانین آواشناختی، دستوری و واژگانی زبان خارجی محدود نمی‌شود؛ بلکه مستلزم آشنایی و فراگیری فرهنگ زبان خارجی است. در بخش بعدی مقاله، نظریه کنش گفتاری را معرفی می‌کنیم.

### ۲-۳. نظریه کنش گفتار

آستین، بنیانگذار نظریه کنش گفتاری است و در کتاب چگونه کلمات کار انجام می‌دهند، این نظریه زبانی را معرفی می‌کند. در نظریه مذکور، آستین نقش‌های فعل و به تبع آن، جمله را در فرآیند گفتار بررسی می‌کند. به عقیده این نظریه‌پرداز، بسیاری از جملات علاوه بر ارائه اطلاعات، بر انجام عملی کلامی نیز دلالت دارند. به سخن دیگر، «گفتن» برابر «کنش» است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد. آستین این جمله‌ها را «کنشی» نامید. او بیان کرد که در چنین جملاتی (معذرت می‌خواهم، وعده می‌دهم و ...)، فعل معادل عمل است و به این صورت، بین جملات کنشی و اخباری (غیرکنشی) تمایز قائل شد (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۶). آستین معتقد است که در هر کنش کلامی، با سه کنش متفاوت «بیانی»، «منظوری» و «تأثیری» مواجه هستیم. منظور از کنش بیانی، به‌کارگیری واژگان و عباراتی است که معنا و مصداق دارند و از دستور زبان خاصی مطابقت می‌کنند. این سطح از کنش به خود زبان مربوط است. گوینده از تولید پاره‌گفت‌های «خوش‌ساخت»، هدف خاصی دارد و بنابراین، با تولید هر پاره‌گفت، کارکردی را دنبال می‌کند که کنش منظوری نام دارد. کنش منظوری با قصد گوینده مرتبط است. مخاطب در برابر کنش منظوری واکنش نشان می‌دهد که آستین این کنش را تأثیری نامید. این سطح سوم به تأثیر بر مخاطب مربوط است

(فضائل و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۶). به این ترتیب، در «سه‌گانه آستینی» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۷)، به‌طور هم‌زمان با صورت‌های زبانی و کارکردها و اهداف این صورت‌ها در سه سطح متفاوت کنش مواجه هستیم. برای تولید کنشی متناسب و ایجاد ارتباط مؤثر، تنها شناخت صورت‌های زبانی بدون در نظر گرفتن اهداف، نقش‌ها و کارکردهای این صورت‌ها کافی نیست. در زمان برقراری ارتباط، عدم تناسب هریک از کنش‌ها به «عدم توفیق» در ارتباط منجر می‌شود. «منظور از عدم توفیق در ارتباط این است که مخاطب بخشی از گفتار یا تمام آن را درک نکند؛ یعنی هدف ارتباطی گوینده به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد و یا بخشی از آن تحقق می‌یابد» (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۴: ۴۴). چنانکه گفتیم، تحقق کنش بیانی با دانش درون‌زبانی طرفین تعامل مرتبط است؛ درحالی که موفقیت کنش منظوری و تأثیری تنها از طریق دانش درون‌زبانی گوینده و مخاطب میسر نمی‌شود و منظور گوینده از بیان هر گفتار و برداشت شنونده از گفتار به‌واسطه دانش پیش‌زمینه‌ای زبانی و غیرزبانی دو طرف تعامل درک می‌شود.

یول برای تبیین دانش پیش‌زمینه‌ای، به توانایی تعبیر ناخودآگاه ناگفته‌ها و نانوشته‌ها اشاره می‌کند. لازمه این توانایی، برخورداری از ساختار معرفتی است که از پیش در ذهن شکل گرفته است. ساختار معرفتی متشکل از انگاره‌ها است و انگاره‌ها عبارت‌اند از الگوهای آشنا از تجارب پیشین که برای تعبیر تجارب جدید به‌کار می‌روند، بین همه اعضای یک گروه اجتماعی مشترک هستند و حتی گاهی به کلیشه تبدیل می‌شوند. به‌واسطه انگاره‌ها انتقال مطالب بی‌آنکه بیان شوند، برای افراد برخوردار از فرهنگی مشترک میسر می‌شود که این امکان از مفروض و مشترک بودن انگاره‌ها نزد اعضای جامعه‌ای با فرهنگ یکسان ناشی می‌شود. با این‌حال، وجود انگاره‌های مشترک فرهنگی در تعامل افراد با فرهنگ‌های مختلف گاهی ممکن است سبب بروز سوءتفاهم و برداشت‌های نادرست شود (یول، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۴). در تعامل بین دو فرد با فرهنگ‌های متفاوت، چنانچه هریک از طرفین گفت‌وگو نتواند بخش مفروض انگاره فرهنگی را درک کند، دچار شگفتی، سوءبرداشت یا برداشت غلط می‌شود؛ بنابراین، مقصود و منظور طرف مقابل را درک نمی‌کند و ارتباطی ناموفق رخ می‌دهد. به این ترتیب، نتیجه می‌گیریم که در تعاملات بین فرهنگی، کنش منظوری و کنش تأثیری اهمیت بسیاری دارند و آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و شناخت کافی داشتن از آن‌ها



در موفقیت‌آمیز بودن این دو سطح کنش تأثیر به‌سزایی دارد. در ادامه، برای وضوح بخشیدن به بحث نظری، تعاملات کلامی در دو فرهنگ فارسی و فرانسه را بررسی و واکاوی می‌کنیم و مثال‌هایی را برای روشن‌تر شدن بحث ارائه می‌نماییم.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴-۱. متغیرهای فرهنگی<sup>۱۷</sup> در ارتباطات

«ارتباطات میان‌فرهنگی سبب بروز و ظهور کنش‌های ارتباطی می‌شود. کنش‌ها توسط اشخاص متعلق به گروه‌هایی صورت می‌گیرد که متغیر درون‌گروهی مشترکی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از خود نشان می‌دهند» (Glaser & et-al, 2007: 32).

وقتی که دو مخاطب با فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، هریک احساس می‌کند با مشکلی واقعی برای رهایی از مفاهیم و ساخت‌های فرهنگی روبه‌رو است و دیگری را فقط در ارجاعات شناخته‌شده بازمی‌شناسد. زمانی که فردی سعی می‌کند فرهنگ دیگری را درک کند، ابتدا اطلاعات و مفاهیم را گزینش و طبقه‌بندی می‌کند و سپس آن‌ها را برمبنای تفکر معمول خود تفسیر می‌نماید. تفسیر نشانه‌ها از خلال صافی فرهنگ خودی، گاهی موقعیت‌های عدم درک، سوءبرداشت و حتی تعارض را ایجاد می‌کند. دشواری‌های ارتباط از نبودن شناخت درست و درک مناسب متغیرهای فرهنگی و ساخت‌های تفسیری ناشی می‌شود. اشارات ضمنی، دلالت‌های معانی خودآگاه و ناخودآگاه، کلمات دارای بار فرهنگی، تعاملات کلامی و غیرکلامی، ایما و اشاره و ژست‌ها<sup>۱۸</sup> از اصلی‌ترین متغیرهای فرهنگی به‌شمار می‌روند. از آنجا که قصد ما معرفی و بررسی تمامی متغیرهای فرهنگی نیست، در ادامه تعاملات کلامی را تبیین و واکاوی می‌کنیم.

##### ۴-۲. تعاملات کلامی

تعاملات کلامی در همهٔ زبان‌ها وجود دارند؛ اما نوع و شیوه‌های عرضهٔ آن‌ها در هر زبان با زبان دیگر متفاوت است. این تفاوت‌ها تابع عواملی فرازبانی، مانند ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جوامع، هستند. به سخن دیگر، این تفاوت‌ها بیانگر باورها و واقعیت‌های



فرهنگی، مذهبی و اجتماعی افراد جامعه هستند. بروز این کنش‌ها (واژگان خطاب، احوالپرسی و خداحافظی، تشکر، پاسخ به تشکر، عذرخواهی، نپذیرفتن و رد کردن مؤدبانه، تعریف کردن و پاسخ دادن به تعریف، موضوع صحبت و واژگان آرزو) در کلام روزمره ایرانیان و فرانسوی‌ها دیده می‌شود و در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم. برای این منظور، ابتدا باید تعریفی از واژگان خطاب را در دو زبان فارسی و فرانسه ارائه نماییم. کربرا اورشیونی واژگان خطاب را اصطلاحاتی می‌داند که «که کاربر زبان برای نامیدن مخاطب یا مخاطبانش در اختیار دارد» (Kerbrat-Orecchioni, 1992: 15).

در فرانسه، به‌کار بردن واژه‌هایی نظیر *Monsieur* و *Madame* بسیار رایج است. البته در فرهنگ فرانسه، استفاده از واژگان خطاب «آقا» و «خانم» درکنار نام کوچک افراد مرسوم نیست؛ اما این دو کلمه درکنار یک عنوان قرار می‌گیرند (*Madame la directrice*). فرانسوی‌ها از عناوین شغلی (دکتر، گارسون و ...) نیز برای خطاب کردن استفاده می‌کنند. در فرانسه، کاربرد اسم کوچک فقط به جمع خانوادگی محدود نمی‌شود و در محیط‌های کاری نظیر شرکت‌ها و مؤسسات هم همکاران، کارمندان و رؤسا یکدیگر را با اسم کوچک صدا می‌زنند. کاربران زبان فرانسه تمایل دارند که از زبان و اشکال خطاب کردن دوستانه استفاده کنند (به من آقای رئیس نگید، منو فرانسوا صدا بزنید). این موضوع در برخورد با همکار جدید نیز مصداق دارد و همکاران دیگر از فرد تازه‌وارد می‌خواهند که آن‌ها را «تو» خطاب کند.

در فرانسه، واژگان خطاب مؤدبانه، عناوین اجتماعی نظیر آقا، خانم و دوشیزه (بانو) هستند. این عناوین بیانگر موقعیت اجتماعی فرد نیستند. در ایران، بیشتر تمایل داریم که برای اعتبار بخشیدن به مخاطب، منزلت اجتماعی‌اش را بالاتر ببریم. در محیط حرفه‌ای، برای منزلت اجتماعی مخاطبان اهمیت زیادی قائل می‌شویم و همیشه برای برجسته‌سازی آن می‌کوشیم؛ مانند به‌کار بردن «آقای دکتر»، «آقای مهندس» و «خانم دکتر» در شیوه‌های خطاب کردن. ایرانیان برای خطاب کردن افرادی که نمی‌شناسند، از عناوین شغلی و القاب مذهبی نیز استفاده می‌کنند؛ مانند مهندس، دکتر، حاجی آقا، حاج خانم، جناب و ... (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۶-۸۵). به‌نظر می‌رسد که لقب «حاجی» تاحدی کارکرد ارزشی و مذهبی خود را از دست داده و امروزه با گذشت زمان و در اثر تغییر باورها و رفتارهای موجود در فرهنگ جامعه، حاجی گاهی به آدم‌های متمول نیز اطلاق می‌شود (پیش‌قدم، ۱۳۹۱: ۵۳).



در محیط خانوادگی و دوستانه، استفاده از اسم کوچک ترجیح داده می‌شود. ایرانیان معمولاً ترجیح می‌دهند که در محیط کار از نام فامیلی افراد برای خطاب کردن استفاده کنند. البته قشر جوان کم‌وبیش تمایل دارند که در محیط کاری هم از اسم کوچک همکاران برای خطاب کردن آن‌ها استفاده کنند. به کار بردن اسم کوچک بیشتر در روابط صمیمی بین افراد خانواده و دوستانی که مدت زیادی از آشنایی با آنان می‌گذرد دیده می‌شود. گاهی یک زوج ایرانی یکدیگر را با نام فامیلی صدا می‌زنند؛ البته این نوع خطاب کردن بیشتر در حضور دیگران رایج است. صدا کردن و خطاب کردن پدربزرگ و مادربزرگ و حتی والدین با اسم کوچک بی‌ادبی تلقی می‌شود. در جمع خانواده، برای خطاب کردن اعضای خانواده، به‌ویژه بزرگ‌ترها، از واژگانی که بیانگر نوع رابطهٔ خویشاوندی است، استفاده می‌شود؛ مانند پدربزرگ، مادربزرگ، پدر، مادر و ... . استفاده از معادل‌های این کلمات مانند «عزیز جون»، «آقا جون»، «مامان»، «بابا» و ... نیز رایج است.

بی‌شک در زمینهٔ تعامل احوال‌پرسی و خداحافظی نیز در دو فرهنگ فرانسه و فارسی تفاوت‌هایی وجود دارد. کربرا اورشیونی در این مورد تأکید می‌کند که «سلام و احوال‌پرسی کردن عبارت است از روشی آیینی و در هر جامعه‌ای با جامعهٔ دیگر متفاوت است؛ این گوناگونی باعث بروز مشکلاتی در هنگام ارتباط بین اقوام می‌شود» (Kerbrat-Orecchioni, 1994: 45). برای نمونه، در بین ایرانیان واژهٔ «سلام» بسیار کاربرد دارد. احتمالاً استفادهٔ مکرر و زیاد از این واژه متأثر از باورهای مذهبی-فرهنگی ایرانیان است و از تأکید دین اسلام بر سلام کردن نشئت می‌گیرد. این امر گاهی برای خارجی‌ان ناملموس است. زبان‌آموز زبان فارسی تعجب خود را از این تفاوت این‌گونه بیان می‌کند: «قبل از آمدن به ایران، فکر می‌کردم که یک سلام گفتن برای یک روز کافی است؛ اما حالا می‌بینم که سلام گفتن و تشکر کردن اینجا حد ندارد» (درکیچ، ۱۳۸۶: ۱۸).

یکی دیگر از این تفاوت‌ها استفاده از عبارت «خسته نباشید!» یا «خسته نباشی!» از سوی ایرانیان است. ایرانیان بیشتر برای نشان دادن همدلی و صمیمیت، به فردی که از سفر یا مأموریت کاری برگشته یا در حال انجام یا اتمام کاری است، خسته نباشید می‌گویند. گاهی بی‌اختیار این عبارت را در آغاز روز و حتی قبل از شروع به کار نیز به کار می‌برند. در زبان فرانسه، از این اصطلاح و معادل تحت‌اللفظی آن هرگز استفاده نمی‌شود.

فرانسوی‌ها با دیدن دوست، عضوی از خانواده یا همکاران در خیابان یا مکانی دیگر، بران نشان دادن غیرمنتظره بودن این دیدار، از صوت Tiens استفاده می‌کنند (Tiens, bonjour !, Tiens, salut!). ایرانیان در موقعیت مشابه، از معادل «اه، سلام!» استفاده می‌کنند؛ اما در بیشتر موارد به گفتن همین عبارت اکتفا نمی‌کنند و پرسشی هم مطرح می‌کنند (اینجا چه کار می‌کنی؟). در فرهنگ فرانسه، طرح چنین پرسشی مرسوم نیست و حتی ممکن است بی‌ادبی تلقی شود. در سلام و احوال‌پرسی‌های روزمره ایرانیان، این پرسش کنشی کلیشه‌ای به‌شمار می‌رود و رایج است.

در بین ایرانیان، سؤالات سلام و احوال‌پرسی گاهی تنها به مخاطب مربوط نمی‌شود و در مورد اطرافیان وی هم است؛ مانند «خانواده چطورند؟»، «خوبند!»، «خوبند، سلام دارند!». معمولاً این سؤال و جواب‌ها در آغاز گفت‌وگو مطرح می‌شوند. هدف گوینده از طرح این سؤال‌ها کسب اطلاعات حقیقی یا دقیق درباره افراد خانواده مخاطب نیست؛ بلکه این سؤال و جواب‌های ازپیش‌آماده جزئی از امور روزمره ایرانیان هستند. گاهی این کار برای کاربران زبان دیگر ناملموس است و گاهی نیز سبب بروز سوءتفاهم می‌شود. این‌گونه سلام و احوال‌پرسی‌ها در برخی جوامع آفریقا نیز مصداق دارند. کیلانی-اسکاش برای تبیین این موضوع، تجربه شخصی خود را بیان می‌کند. او به سبک رایج و معمول غنا، در آغاز گفت‌وگو از دوست سوئیسی-آلمانی‌اش این پرسش را مطرح می‌کند که «خانواده چطورند؟». دوستش که با فرهنگ و زبان جامعه غنایی آشنا نیست، پس از کمی تردید و دودلی، احوال دقیق پدر، برادر و ... را نقل می‌کند. افزون‌بر تعجب مخاطب از طرح این نوع سؤال، گوینده نیز انتظار چنین پاسخی را ندارد و حیرت می‌کند؛ زیرا در پاسخ به سؤال کلیشه‌ای خود در مورد خانواده، منتظر شنیدن پاسخ ساده و کلیشه‌ای «خوبند!» است (Kilani-Schoch, 1992: 134-135).

کاربران زبان فارسی برای خداحافظی بیشتر از اصطلاحاتی با گرایش فرهنگی‌مذهبی استفاده می‌کنند؛ مانند خدانگهدار، خداحافظ، خدا یار و نگهدارت، علی یارت، حق نگهدارت، شما را به خدا می‌سپارم و دست علی به همراهت (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۵). بی‌تردید انتخاب و به‌کارگیری هریک از این اصطلاحات تابع محیطی است که گفت‌وگو در آن صورت می‌گیرد. استفاده از این اصطلاحات و عبارات در محیط‌های نامتناسب چندان عادی و ملموس به‌نظر



نمی‌رسد. علوی و زینالی در این زمینه، به مثال جالب «خدا قوت!» اشاره می‌کنند (علوی و زینالی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). این اصطلاح معمولاً به‌جای سلام به فرد درحال کار گفته می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۵). رد و بدل کردن «خداقوت» بین دو کشاورز در مزرعه عادی و رایج است؛ ولی به‌کار بردن این اصطلاح در محیطی دیگر ممکن است مزاح و حتی کنایه تلقی شود. در ایران نیز مانند فرانسه، فرد هنگام جدا شدن با عباراتی نظیر «فعلاً»، «وقت رفتن است»، «کم‌کم باید برم»، «از دیدنتان خوشحال شدم» و ... ، مخاطب یا مخاطبانش را برای رفتن خود آماده می‌کند. فرانسوی‌ها نیز قبل از جدا شدن از یکدیگر و خداحافظی، از جملاتی مانند *Il faut que j'y aille*، *Je dois vous laisser*، *Je suis content de vous rencontrer* و *Cela m'a fait plaisir de vous revoir* استفاده می‌کنند.

در زمینه تعامل کلامی تشکر، شباهت‌هایی بین دو فرهنگ فرانسه و فارسی وجود دارد. کربرا اورشیونی درباره کاربرد زیاد واژه «مرسی» از سوی فرانسویان، می‌نویسد: «در جوامع غربی، تشکر کردن به هر مناسبتی بسیار رایج است. فرانسوی‌ها به ردوبدل کردن مرسی در هر لحظه و در موقعیت‌های مختلف و بدون توجه به اهمیت موضوعی که باعث تشکر می‌شود، شهرت دارند» (Kerbrat-Orecchioni, 1994: 57).

ایرانیان مانند فرانسوی‌ها همیشه از «ممنون»، «متشکر» و حتی امروزه بیشتر از «مرسی» برای تشکر استفاده می‌کنند. در ادارات، تشکر کردن و استفاده از واژگان تشکر مرسوم است. تشکر کردن و استفاده از واژگان تشکر در بین اعضای خانواده، فرزندان و والدین، زن و شوهر و ... ، طبیعی و ضروری است. البته عبارات دیگری برای تشکر کردن در موقعیت‌های مختلف وجود دارد؛ مانند «لطف دارید» یا «لطف کردید» (! C'est gentil)، «چرا به زحمت افتادید» (! Il ne fallait pas) و «عالی است!» (! Il est magnifique) برای تشکر از دوستی که هدیه آورده است.

فرانسوی‌ها معمولاً در پاسخ به تشکر، از عبارت «Je vous en prie!» استفاده می‌کنند. البته آن‌ها عبارات دیگری نظیر «De rien» را نیز به‌کار می‌برند. کاربر زبان فارسی از معادل‌های این عبارات (خواهش می‌کنم، چیزی نبود، کاری نکردم و ... ) استفاده می‌کند. ایرانیان گاهی با تواضع و فروتنی در پاسخ به تشکر می‌گویند «چیزی بود که از دستم برمی‌آمد (میومد)!» یا «انجام وظیفه بود!» (C'est ce que je dois faire). در فرهنگ فرانسه،

استفاده از این‌گونه عبارات مرسوم نیست. معمولاً غربی‌ها ترجیح می‌دهند «که هنگام مکالمه با مخاطب خود، پیام‌های مفید، مختصر و واضحی را دریافت کنند» (پیش‌قدم و وحیدنیا، ۱۳۹۳: ۱۸).

درمورد تعامل کلامی عذرخواهی نباید از یاد ببریم که فراوانی و کاربرد عذرخواهی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. استفاده از واژگان عذرخواهی در فرانسه بسیار رایج است. زمانی که فرد می‌خواهد آدرس یا اطلاعاتی بپرسد، بی‌اختیار از واژه «!Pardon» استفاده می‌کند و زمانی که فرد جلوتر از خود را کنار می‌زند یا می‌خواهد رد شود، می‌گوید «!Pardon» یا «!Excusez-moi». به‌نظر می‌رسد که در فرانسه، به سلام کردن قبل از عذرخواهی و درخواست اطلاعات نیازی نیست و استفاده از واژگان عذرخواهی کافی است و به‌عبارتی جایگزین سلام است؛ اما در ایران، ممکن است اگر فرد بدون سلام گفتن به عذرخواهی و طرح درخواستش اکتفا کند، چندان مؤدبانه به‌نظر نرسد.

زمانی که میزبان به ایرانیان نوشیدنی یا خوردنی تعارف می‌کند، معمولاً خیلی سریع می‌گویند «نه، ممنون!». به‌نظر می‌رسد که فرد به‌دلیل رعایت ادب، پیشنهاد میزبان را نمی‌پذیرد. «نه، نه، باعث زحمت است» یا «زحمت نکشید!» رد واقعی نیست و اصطلاحی مؤدبانه و بیانگر رعایت ادب است. معمولاً در فرهنگ ایرانیان، مهمانان در شروع مهمانی، پیشنهاد نوشیدنی را نمی‌پذیرند و میزبان باید چندین بار پیشنهادش را تکرار کند تا درنهایت بپذیرند. زمانی که میزبان صمیمانه و حداقل بیش از دو بار اصرار می‌کند، مهمان مجدد می‌خورد یا می‌نوشد. با اصرار میزبان، مهمان مطمئن می‌شود که با قبول پیشنهاد، میزبان را به زحمت نمی‌اندازد. اغراق نیست اگر بگوییم که مهمان ایرانی منتظر است تا میزبان اصرار کند و با اصرار میزبان، احساس اطمینان می‌کند. میزبان ایرانی بارها با وجود نپذیرفتن مهمان‌ها، پیشنهادش را تکرار و تعارف می‌کند. کربرا اورشیونی درباره‌ی اصرار در دعوت و پیشنهاد می‌نویسد: «در چین، کره، ژاپن و ایران یا در کشورهای عربی، دعوت باید چندین مرتبه، به تناسب تکرار شود [و به‌طور متناوب رد شود] که این تعداد گویی در اوکراین، به هفت یا هشت مرتبه می‌رسد» (علوی و زینالی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

یکی از عباراتی که میزبان ایرانی از آن برای اصرار و تعارف کردن به مهمان‌ها زیاد استفاده می‌کند و در فرهنگ فرانسه، کاربرد چندانی ندارد، «از همه چیز (همه‌ی غذاها) بخورید



و همه را امتحان کنید!» است. البته «از خودتان پذیرایی کنید!» و «فکر کنید خانه خودتان است!» در زبان فرانسه کاربرد دارند و معادل‌های آن‌ها «Faites comme chez vous» و «Servez-vous!» هستند.

در موقعیت‌های دیگر و درمورد نپذیرفتن و رد مؤدبانۀ تقاضاها و درخواست‌های دیگر، ایرانیان معمولاً صریح و قاطع تقاضا یا پیشنهاد را رد نمی‌کنند و «نه» نمی‌گویند. آن‌ها ترجیح می‌دهند که از عبارات تعدیل‌کننده استفاده کنند و پاسخ قطعی را در هاله‌ای از ابهام می‌گذارند؛ برای نمونه، به جای پاسخ «نه» می‌گویند «باید ببینم» یا «کمی فکر کنم ببینم». پیش‌قدم در این زمینه به وجود «زبانهنگ صراحت‌گریزی» نزد ایرانیان اشاره می‌کند و با بررسی دو مکالمه در زبان فارسی و انگلیسی، بر این امر تأکید می‌کند که ایرانیان ترجیح می‌دهند به جای صریح و مستقیم صحبت کردن، با تعارف جواب دهند؛ درحالی که انگلیسی‌ها ترجیح می‌دهند که سریع و صریح پاسخ دهند (پیش‌قدم، ۱۳۹۱: ۵۵).

حتی درمورد واژه «ممنون» نیز احتمال سوءتفاهم هست؛ زیرا «ممنون» یا «مرسی» بیانگر «نه ممنون» برای فرانسوی و «بله، ممنون» برای ایرانی است. «فرانسویان پیشنهاد نوشیدنی و خوردنی را با «Merci!» (Non, merci!) رد می‌کنند و این معمولاً با تکان کوچک سر یا دست به علامت منفی همراه است» (Chamberlain & Steele, 1991: 26).

درزمینه تعامل تعریف کردن و پاسخ دادن به تعریف، کربرا اورشیونی به دو الزام ابراز قدردانی از تعریف و تحسین یا پاییند بودن به «قاعده تواضع» اشاره می‌کند که شخص تمجید و تحسین‌شده با آن مواجه می‌شود (Kerbrat-Orecchioni, 1989: 155-181). در فرهنگ ایرانی، تواضع و فروتنی فضیلت اخلاقی است. معمولاً ایرانیان در حضور دیگران از اعضای خانواده خود تعریف و تمجید نمی‌کنند. پیش‌قدم در این زمینه، از فرهنگ تواضعی ایرانیان درمقابل فرهنگ خودافشایی غربی‌ها صحبت می‌کند و دلیل کم‌گویی ایرانیان را تمایل به تواضع و فروتنی آن‌ها می‌داند (پیش‌قدم، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۹). زمانی که از فرد تعریف و تمجید می‌شود، به دلیل رعایت تواضع، تعریف و تحسین‌های مخاطب را با جملاتی چون «اوه! اغراق می‌کنید» و «راستش چیزی نبود»، انکار و رد می‌کند. این شیوه رد کردن نوعی رعایت ادب است. درمقابل، فرانسوی‌ها به‌سادگی تعریف و تحسین را می‌پذیرند و از شنیدن آن احساس رضایت و تشکر می‌کنند.

معمولاً طرح سؤالاتی چون «چند سال دارید؟»، «متأهل هستید؟»، «شغل شما چیست؟» یا «چه میزان حقوق دریافت می‌کنید؟» برای شروع یک گفت‌وگو در بین ایرانیان طبیعی به نظر می‌رسد. این‌گونه سؤالات حتی اگر دو طرف گفت‌وگو زیاد هم با یکدیگر صمیمی نباشند، موضوع صحبت و گفت‌وگو می‌شوند. برعکس، در میان فرانسوی‌ها، میزان حقوق، وضعیت خانوادگی، روابط دوستانه و خانوادگی و سن جزو مسائل خصوصی به‌شمار می‌روند و سؤال کردن درباره آن‌ها مرسوم و مجاز نیست. فرانسوی‌ها سؤالاتی نظیر «قیمت خانه‌ای که به‌تازگی خریده‌اید چقدر است؟»، «برای سفر اخیر خود چه مقدار هزینه کرده‌اید؟»، «آیا از بانک وام گرفته‌اید؟» و «ماهانه چقدر قسط پرداخت می‌کنید؟» را حتی در روابط صمیمی و نزدیک نیز از یکدیگر نمی‌پرسند. برای ایرانیان، این مسائل جزو موضوعات روزمره به‌شمار می‌روند و طرح این سؤالات از نظر آن‌ها خیلی عجیب و غیرمنتظره نیست.

بسیاری از اصطلاحات رایج و روزمره در زمینه واژگان آرزو، ابتدا در فرهنگ ایرانی وجود نداشتند یا به‌ندرت به‌کار می‌رفتند؛ جملاتی مانند «روز خوبی داشته باشید!»، «روز بخیر!»، «بعدازظهر خوبی داشته باشید!»، «بعدازظهر شما بخیر!»، «شب خوبی داشته باشید!»، «شب خوش!» و ... عبارات و واژگان آرزو در زبان فرانسه زیاد هستند و گاهی حتی یافتن معادل فارسی آن‌ها دشوار به‌نظر می‌رسد. یکی از عبارات پرکاربرد و رایج در زبان فرانسه «Bon appétit!» (نوش جان) است. زمان بر زبان راندن اصطلاح «نوش جان» در دو فرهنگ متفاوت است. در فرهنگ فرانسه، میزبان این اصطلاح را در آغاز و قبل از غذا خوردن به‌کار می‌برد و در فرهنگ ایرانی، پس از اتمام غذا و در پاسخ به تشکر مهمان.

با توجه به مثال‌های بالا در مورد تعاملات کلامی زبان‌های فارسی و فرانسه، درمی‌یابیم که برای درک زبان افراد یک جامعه، باید در مورد این کنش‌ها در شرایط گوناگون جامعه آگاهی لازم را کسب کنیم. آگاهی نداشتن از این متغیرهای فرهنگی ممکن است مانع برقراری ارتباطی مؤثر و موفق شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت رابطه متقابل زبان و فرهنگ، کوشیدیم چگونگی تأثیر این دو بر یکدیگر را در تعاملات بینا فرهنگی بررسی کنیم. برای رسیدن به این هدف، مباحث نظری ارائه شده در



این زمینه و برخی از پژوهش‌های انجام‌شده را مطرح کردیم. با بررسی نظریات متخصصان زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و برخی دیگر از رشته‌ها روشن شد که در زمینه تعاملات کلامی، فرهنگ به‌عنوان جزء اساسی و جدایی‌ناپذیر از زبان مطرح است که بدون آن، برقراری ارتباط مؤثر با دیگران دشوار و حتی ناممکن به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، برای روشن کردن چگونگی تأثیر متقابل فرهنگ و زبان، برخی از تعاملات کلامی در دو فرهنگ فارسی و فرانسه را براساس نظریه کنش‌گفتاری آستین معرفی و بررسی کردیم. نمونه‌ها را از بین عبارات زبانی مصطلح و رایج مردم دو کشور انتخاب نمودیم. با این‌حال، همان‌طور که در مثال‌ها دیدیم، گاهی طرفین تعامل هنگام مواجهه با این عبارات و اصطلاح‌ها، یا در فهم و یا در کاربرد آن‌ها، دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا یا گوینده کنش بیانی متناسبی را به‌کار نمی‌برد یا مخاطب منظور گوینده را درست درک نمی‌کند و دو سطح منظوری و تأثیری کنش‌گفتاری با سطح بیانی کنش تناسب ندارند. بنابراین، کنش‌گفتاری متناسب تولید نمی‌شود و به‌تبع آن، با «عدم توفیق در ارتباط» مواجه خواهیم شد. در تحقیق حاضر، کوشیدیم از خلال تبیین و بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در کنش‌های کلامی در دو زبان فارسی و فرانسه و با تأکید بر نظریه کنش‌گفتاری، بر ضرورت توجه به تفاوت‌های فرهنگی به‌منظور برقراری ارتباط مؤثر و جلوگیری از «عدم توفیق در ارتباط» تأکید کنیم. آشنایی با این کنش‌ها به کاربران زبان در برقراری ارتباطی موفق کمک خواهد کرد و مانع بروز بسیاری از سوءبرداشت‌ها و برداشت‌های غلط هنگام برقراری ارتباط کاربران زبان با فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

در پژوهش حاضر، تعدادی از تعاملات کلامی را معرفی و بررسی کردیم. با این‌حال، بی‌شک کنکاش و واکاوی بیشتر ما را به فهم بهتری از ماهیت مقوله مهم تفاوت‌های زبانی-فرهنگی دو فرهنگ فرانسه و فارسی می‌رساند. در این مطالعه، تنها به یکی از متغیرهای فرهنگی مؤثر در ارتباطات میان‌فرهنگی اشاره کردیم و بدیهی است که پژوهشگران می‌توانند هر یک از این متغیرها را به‌تنهایی و به‌گونه‌ای وسیع‌تر بررسی کنند.



## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. interactions verbales
2. language relativity hypothesis (LRT) = hypothese de la relativité linguistique
3. Bakhtine
4. Mead
5. Bateson
6. interactionnisme symbolique
7. Goffman
8. Hymes
9. Gumperz
10. Hall
11. Austin
12. Liddicoat
13. Biechele
14. Padros
15. Wicke
16. Wei
17. variables culturelles
18. Connotations culturelles, implicite culturel, mots à charge culturelle, interactions verbales et non verbales, kinésique, gestuelle.

## ۷. منابع

- افقری، اکبر و ویدا کاویانی. (۱۳۸۴). «بیان عذرخواهی در زبان فارسی به‌عنوان یک کنش زبانی». *زبان‌شناسی کاربردی*. د ۸، ش ۲. صص ۲۸-۱.
- پیش‌قدم، رضا. (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به‌سوی بومی‌سازی روش تحقیق در ایران». *جستارهای زبانی*. ش ۲ (پیاپی ۱۸). صص ۷۰-۵۵.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). «زباهنگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان». *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۴ (پیاپی ۴۵). صص ۶۲-۴۷.
- پیش‌قدم، رضا و آتنا عطاران. (۱۳۹۲). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسهٔ زبان‌های فارسی و انگلیسی». *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۴. صص ۵۰-۲۵.



- پیش‌قدم، رضا و فاطمه وحیدنیا. (۱۳۹۴). «کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمنز». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۷ (پیاپی ۲۸). صص ۵۳-۷۲.
- تاج‌آبادی، فرزانه و فردوس آقاگل‌زاده. (۱۳۹۰). «آموزش زبان‌های خارجی در پرتو چالش تدریس فرهنگ». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. ش ۱. صص ۳۹-۵۷.
- درکیچ، منیر. (۱۳۸۶). «چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند؟». *نامه پارسی*. س ۱۲. ش ۱ و ۲. صص ۱۷-۴۲.
- دست‌آموز، سعیده و محمدرضا محمدی. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی». *جستارهای زبانی*. ش ۱ (پیاپی ۳۹). صص ۴۹-۵۷.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در زبان عامه». *جستارهای زبانی*. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۶۹-۹۸.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و احمد رضانی واسوکلائی. (۱۳۹۱). «نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی». *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. س ۱۲. ش ۱. صص ۱۵-۳۴.
- زرقانی، مهدی و الهام اخلاقی. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار». *ادبیات عرفانی*. دانشگاه الزهراء. س ۳. ش ۶. صص ۶۱-۸۰.
- سلمانی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳). «مطالعه و مقایسه اجتماعی-پراگماتیک تعارف در زبان‌های انگلیسی و فارسی». *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*. ش ۲۰. صص ۱۱۹-۱۴۴.
- شفق، مریم. (۱۳۹۲). «کنش گفتاری «وعده» و «وعده در گفتمان سیاسی». *جستارهای زبانی*. ش ۲ (پیاپی ۱۴). صص ۱۵۸-۱۴۱.
- شفق، مریم و احمد تمیم‌داری. (۱۳۹۴). «بررسی مشخصه‌های کنش گفتاری معذرت‌خواهی با مخاطب خداوند («توبه») در زبان‌های فارسی و روسی». *جستارهای زبانی*. ش ۵ (پیاپی ۲۶). صص ۲۸۵-۳۰۴.
- صفا، پریوش و مینا زمانی. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای «باهم‌آبی‌ها» در کنش زبانی بیان شدت در فرانسه و فارسی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. ش ۳ (پیاپی ۱۱). صص ۱۲۳-۱۴۱.

- صفا، پیروش و سارا قائمی. (۱۳۹۳). «بررسی کنش بیانی امر در دو زبان فرانسه و فارسی». *زبان‌پژوهی*. دانشگاه الزهراء. ش ۱۱. صص ۱۲۰-۱۳۴.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.
- علوی، فریده و سویل زینالی. (۱۳۹۳). «بررسی چگونگی تقابل فرهنگ‌ها در ترجمه گفتار تعارف‌آمیز با تأکید بر ترجمه فرانسوی داستان *مهمان مامان*، اثر هوشنگ مرادی کرمانی». *زبان‌پژوهی*. دانشگاه الزهراء. ش ۱۱. صص ۱۳۵-۱۶۲.
- فضائلی، مریم و محمد نگارش. (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاهویکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش گفتاری». *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*. ش ۳ (پیاپی ۸۶). صص ۱۱۸-۸۱.
- فیروزآبادی، سعید و آنتیا امیری. (۱۳۸۹). «فرهنگ، زبان و آموزش». *برگ فرهنگ*. ش ۲۱. صص ۱۰۳-۱۱۱.
- قرایی مقدم، امان‌الله. (۱۳۸۲). *انسان‌شناسی فرهنگی*. تهران: ابجد.
- متقی طبری، شیوا و لویز بوزل. (۱۳۹۰). «بررسی مقابله‌ای پاسخ به تعریف و تمجید توسط ایرانیان و استرالیایی‌ها: تأثیر قرار گرفتن در معرض فرهنگ جامعه کلامی جدید». *تحقیقات کاربردی در زبان انگلیسی*. ش ۱. صص ۲۱-۴۲.
- میرزا سوزنی، صمد. (۱۳۸۵). «مشکلات بین‌فرهنگی ترجمه گفتار تعارف‌آمیز». *مطالعات ترجمه*. د ۴. ش ۱۳. صص ۴۱-۵۴.
- یول، جورج. (۱۳۸۷). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

#### References:

- Abdallah- Pretceille, M. (1986). *Towards an Intercultural Pedagogy*. Paris: INRP and Sorbonne Publications [In French].
- Aftari, A. & V. Kaviani (2005). "The Expression of apology as a linguistic act in Farsi". *Applied Linguistics*. 2. Pp. 1-28 [In Persian].



- Alagheband, A. (2001). *The Sociology of Education*. Tehran: Ravan Publication [In Persian].
- Alavi, F. & S. Eynali (2014). "The Investigation of how the cultures contrast in the translation of compliments, focusing on the French translation of *Mum's Guest* by Hushang MoradiKermani". *Alzahra University's Quarterly Journal of Language Research*. 11. Pp. 135-162 [In Persian].
- Argaud, E. (2006). *Civilization and Its Representations, The Exploration of a Review, French in the World (1961-1976)*. Berne: Peter Lang SA [In French].
- Beacco, J-Cl. (2000). *The Cultural Dimensions of Language Teaching*. Paris: Hachette [In French].
- Bollinger, D. & G. Hofstede (1987). *The Cultural Differences in Management*. Paris: Organization Publications [In French].
- Chamberlain, A. & R. Steele (1991). *Practical Guide to Communication-100 Speech Acts 56 Dialogues*. Paris: Didier [In French].
- ----- (1991). *Guide Pratique de la Communication -100 actes de Communication 56 Dialogues*, Paris: Didier.
- Cuq, J.-P. (2003). *Dictionnaire de Didactique du Français Langue Etrangère et Seconde*. Paris: Clé International.
- ----- (2003). *Dictionary of French Dialects as a Foreign and Second Language*. Paris: International Key [In French].
- Darkich, M. (2007). "Why the foreigners do not perceive Farsi Comity?". *Persian Letter*. 1& 2. Pp. 17-42 [In Persian].
- Firoozabadi, S. & A. Amiri (2010). "Culture, language, and education". *Barg-e Farhang*. 21. Pp. 103-111 [In Persian].
- Gharai Moghaddam, A. (2003). *Cultural Anthropology*. Tehran: Abjad [In Persian].
- Glaser, E. et. al. (2007). *Intercultural Competence for the Development of Professional Mobility*. Strasbourg: Council of Europe Publishing [In French].

- ----- (2007). *Compétence Interculturelle Pour le Développement de la Mobilité Professionnelle*. Strasbourg: Éditions du Conseil de l'Europe.
- Kerbrat-Orecchioni, C. (1989). "Théorie de faces et analyse conversationnelle". In *Le parler frais d'Erving Goffman*. Paris: Minuit. Pp.155-179.
- Kerbrat-Orecchioni, C. (1992). *Les Interactions Verbales*. Tome II, Paris: Armand Colin.
- ----- (1992). *Verbal Interactions*. Vol. II. Paris: Armand Colin [In French].
- Kerbrat-Orecchioni, C. (1994). *Les Interactions Verbales*. Tome III, Paris: Armand Colin.
- ----- (1994). *Verbal Interactions*. Vol. III. Paris: Armand Colin [In French].
- Kilani-Schoch, M. (1992). "Il fait beau aujourd'hui. Contribution à l'approche linguistique des 20 malentendus interculturels". *Cahiers de l'ILSL* (Lausanne) 2, Pp. 127-154.
- ----- (1992). "What a beautiful weather today. Contribution to the linguistic approach of 20<sup>th</sup> intercultural misunderstandings". *ILSL Handbooks* (Lausanne). 2. Pp. 127-154 [In French].
- Lázár, I. et al., (2007). *Développer et Evaluer la Compétence en Communication Interculturelle*. Strasbourg: Éditions du Conseil de l'Europe.
- ----- (2007). *The Development and Evaluation of the Competence in Intercultural Communication*. Strasbourg: Council of Europe Publishing [In French].
- Legendre, R. (1988). *Current Dictionary of Education*. Paris: Larousse [In French].
- Mirzasoozani, S. (2006). "The inter-cultural problems of compliments translation". *Translation Studies*. 13. Pp. 41-54 [In Persian].



- Mottaghi Tabari, Sh. & L. Boozal (2011). "The contrastive analysis of Iranians' and Australians' response to complements: Being under the influence of a new speech community". *Applied Research on English Language*. 1. Pp. 21-42 [In Persian].
- Pishghadam, R & F. Vahidnia (2014). "The uses of 'praying' in Persian and English movies in the light of Hymes' model". *Language Related Research*. Online publication from February. 12. 2015. Pp. 2-23 [In Persian].
- Pishghadam, R. & A. Attaran (2013). "A Sociologic study of promise as a speech act: The comparison of Farsi and English Languages". *Language and Translation Studies*. 4. Pp. 25-50 [In Persian].
- Pishghadam, R. (2014). "The Pathology of data collection methods in language studies: A Step forward to the domestication of research methodology in Iran". *Language Related Research*. 2 (18). Pp. 55-70 [In Persian].
- Porcher, L. (1995). *French as a Foreign Language*. Paris: Hachette [In French].
- ----- (1995). *Le français langue étrangère*, Paris: Hachette.
- Rahmatian, R & M. Mehrabi (2013). *The Descriptive Dictionary of Language Teaching Idioms*. Tehran: Samt [In Persian].
- Rostam Beyk Tafreshi, A. & A. Ramezani Vasoo Kalai (2012). "The role of culture in foreign language teaching". *The Bulletin of Humanities Texts and Programs*. 1. Pp. 15-34 [In Persian].
- Safa, P. & M. Zamani (2012). "The comparative study of 'collocations' speech act in intensity expression in French and Farsi Languages". *Comparative Literature Research*. 3 (11). Pp. 123-141 [In Persian].
- Safa, P. & S. Ghaemi (2014). "The Investigation of order speech act in French and Farsi Languages". Alzahra University's *Quarterly Journal of Language Research*. 11. Pp. 120-134 [In Persian].

- Salmani Nadooshen, M. (2004). "The social-pragmatic study and comparison of comity in English and Farsi Languages". *Foreign Language Research*. 20. Pp. 119-144 [In Persian].
- Shafaghi, M & A. Tamimdari (2015). "The Investigation of apology speech act with God as the Addressee ("Repentance") in Farsi and Russian Languages". *Language Related Research*. 5 (26). Pp. 285-304 [In Persian].
- Tajabadi, F. & F. Aghagolzadeh (2011). "Foreign language teaching in the light of the culture teaching challenge". *Foreign Language Research Journal*. 1. Pp. 39-57 [In Persian].
- Vaezi, M & D. Ghorrooneh (2010). "The Globalization of culture and higher education". *Barg-e Farhang*. 21. Pp. 50-62 [In Persian].
- Zolfaghari, H. (2015). "The typology of molded structures in colloquial language". *Language Related Research*. 4 (25). Pp. 69-98 [In Persian].